

عودت کرده و برخی خیال فرار دارند. فرایشان حکومتی هم هر يك مشغول به كسب [شده]، بعضی به سمت شاهرود و مازندران رفتند.

درباب تراکمه داز

به عرض رفته بود شیخ محمدباقر قریه شیرنگ را بدشراکت قونسول قرار داده آباد نمایند. بیست و ششم ماه اکتبر شیخ محمدباقر يك نفر غلام روسی با دونفر چکت برای تعیین پورت به سمت کتول رفته، بعضی از تراکمه داز جلوگیری کرده، این نقطه اراضی متعلق به طایفه داز می باشد. مجدداً از طرف قونسول بیست سوار چکت و يك صاحب منصب رفته، شش نفر از سران طایفه داز را مغولاً به شهر آورده به توسط ایالت حبس کردند. در ضمن شیخ محمدباقر به لجاجت سابقه با ساعدلشکر پنجاه تومان به قنبر غلام قونسول رشوت داده به قونسول راپرت می دهد حرکات تراکمه به تحریک ساعدلشکر بوده است.

درباب آتش سوزی

شب بیست و هفتم ماه اکتبر چهار از شب گذشته بازار استرآباد از طرف جنوب آتش گرفته، به قرب دو ساعت تخمیناً هفتصد درب دکان، دو کاروانسرا آتش گرفته سوخت. پنجاه هزار تومان قیمت دکاکین، پانزده هزار تومان اجناس محروقه و مسروقه، شصت و پنج هزار تومان خسارت به استرآبادی وارد آمد. ۲۲۷

سالارالدوله

چهارم ماه نوامبر خبر رسید نواب والا از راه نوروکجور ۲۴۸ به محمودآباد کناره دریا وارد گردیده. لکن قونسول روس اظهار داشته به موجب قرارداد جدید ما از نواب والا جلوگیری خواهیم کرد. تاجه اقتضا کند.

امیر اعظم

سیم ماه نوامبر امیر از شاهرود حرکت نموده بین راه شکار و تفریح کنان وارد به قزلق شده، يك رأس قوچ شکاری قبل از ورود برای قونسول فرستاده روز ششم نوامبر مقارن غروب با صد نفر سوار زبده فدایی، هر يك پنج تیره، با يك عدد موزر ۲۴۹ وارد شهر شده شخصاً با چند نفر اجزاء قونسلخانه روس وارد گردیده، سوار و غیره هر يك به منزل سر کرده رفتند. قبل از حرکت از شاهرود وزیر داخله و رئیس نظمیه تلگرافی به نواب والا برای آمدن سالارالدوله به مازندران دستور العمل آمده. تاجه اقتضا کند.

۲۴۷- در انتهای این مطلب حروف «ح س ی ن ق ل ی» (=حسینقلی) یادداشت شده است.

۲۴۸- اصل: کوجور.

۲۴۹- اصل: مظر.

نمره ۲۲۵

۱۸ نوامبر رفت ۲۵۱

درباب روسها

هفتم ماه نوامبر خبر رسید کموسر روس به عنوان پنج ماهه، مرخصی گرفته به روسیه رفتند.

امیر اعظم

نواب والا دوشب در منزل قونسول دعوت داشته، تلگرافاً خبر رسید سوار سالارالدوله دومنزلی دامغان آمده برای محافظت اموال و املاک خود روز هشتم حرکت کرده قونسول به اتفاق سرکرده‌ها مشایعت کرده، دریک فرسخی از اسب به زمین خورده قونسول خیال کرد نواب والا خورد شد. به روی بزرگوار خود نیاورده به هر طریق بود سوار شده رفت. روز بعد بین قزلق و تاش یک گله مرال کوهی بر خورده چهاردانه از مرالها صید می نمایند. فوراً یک مرال را به توسط مکاری برای قونسول فرستاده به سمت شاهرود رفتند.

امیر عشایر

به عرض رفته بود به تصدیق قونسول روس مشارالیه به حکومت فندرسک و کوهسار مأمور گردیده. به سبب آمدن مهدی شاه امیر پنجه عموی مشارالیه رعیت فندرسکی و رامیانی اطاعت نکرده دیناری مالیات نداده مراجعت نمود.

سالارالدوله

نهم ماه مذکور خبر رسید دو عده سوار از طرف نواب والا به چهارده یک منزلی دامغان وارد گردیدند.

تعمیر قونسلخانه

روسها سابقاً سر عمارت دولتی را سفال پوشانیده چون تخته‌های فرش اطاقها کهنه شده بود تخته «نرات» از روسیه حمل کرده و سفال عمارات را هم بکلی برداشته مشغول تعمیر می باشند. در عوض سفال سر عمارت را با تخته ۲۵۰ می پوشانند. تلگرافخانه جلوخان قونسولگری واقع بود، آن را هم برهم زده دوطبقه بنا نموده اند.

۲۵۰- يك كلمه ناخوانا (كلمه شبیه روح نوشته شده).

۲۵۲- در ذیل منحه آمده است.

درباب سالارالدوله

نواب والا یازدهم نوامبر از راه دودانگه و هزارجریب وارد بدقریه نوکنده گردید، منزل قهارخان سالار اشجع صرف نهار نموده ده پاکت برای خوانین و علمایان استرآباد نوشتند، بهطریق شاهمنشی ایشان را درخوجهنفس احضار [کرده] بهتوسط دو نفر سوار شخصی پاکتهارا بداسترآباد فرستاده بهسمت خوجهنفس حرکت کرده، نصف شب باپنجاه سوار زبده و پنجاه رأس قاطر که حمل بنه بوده در منزل شوخ ترکمان که محل اقامت محمدعلی میرزا بوده وارد شد. فوراً کاغذی برای قونسول روس فرستاده یک نفر نماینده خود را بدخوجهنفس بفرستید. دوازدهم ماه مذکور قونسول میرزا جعفرمنشی را باسوار چکت بدخوجهنفس فرستاده روزچهاردهم ماه مذکور سالارالدوله درسه فرسخی منزل حاجی یگ لگ ۲۵۱ ترکمان اتابائی آمده، قونسول روس هم باسه نفر سوار به آنجا رفته بدقرب دو ساعت محرمانه صحبت نمودند. از قرائن عرض می کنم قونسول بدسالارالدوله گفته است چون امنیت استرآباد با من است خواهش می کنم شما از راه گنبد قابوس به سمت مشهد بروید. نواب والا جواب داده هر آینه محمدعلی میرزا بدخوجهنفس وارد شود ما به اختیار خود حرکت می کنیم. ملک و خاک از ما می باشد. اگر نیامد لابد از راه گنبد قابوس و گوکلان باسوار یموت به خراسان می روم.

درباب تراکمه

سالارالدوله چند قاصد بدتمام طایفه یموت فرستاده که یک هفتدیگر محمدعلی میرزا وارد بدخوجهنفس می شود. اشخاص شاه پرست لابداً برای اطاعت حاضر شده مواجب و جیره بدسوار داده خواهد شد. کلید اهل ترکستان از آمدن نواب والا مشعوف و مفتخر می باشند. لکن مراجعت محمدعلی میرزا اشکال دارد. تا چه اقتضا کند.

درباب خوانین

بهموجب حکم نواب والا و احضار سرکرده ها چندروز است باهم مشورت دارند. مطالب را پولتیک دانسته بدون اجازه قونسول تاکنون جرأت نکرده خدمت سالارالدوله بروند.

درباب روسها

ایضاً صبح شانزدهم نوامبر قونسول روس باسی نفر قزاق و بیرق بدخوجهنفس رفته تاکنون ازسؤال و جواب طرفین خبری استفهام نشد.

درباب امیر اعظم

هفدهم ماه مذکور خبر رسید مسیب خان باص دسوار به شاهرود وارد شده پنجاه سوار

برای گرفتن مالیات به شاهکوه می‌فرستد. امیراعظم طرح دوستی و خصوصیت ورزیده، او را دعوت ناهار کرده حین مذاکرات خبر دادند سوارهای سالارالدوله باسوار شما نزاع کرده چند نفر کشته شدند. فوراً امر کرده مسیب‌خان [را] باسوارها که در شاهرود بودند دستگیر [کرده]، مجدداً سوار به شاهکوه فرستاده پنجاه نفر در آنجا گرفته تماماً را خلع اسلحه می‌نماید. تاجه اقتضا کند.

نمره ۲۳

دویم ماه دسمبر - ۱۹۱۲

درباب سالارالدوله

نواب والا تمام قضات با پیرمردان طایفه جعفربائی و اتابائی و ایلغی را احضار کرده مذاکرات زیادی با آنها نمودند. من جمله به آنها گفت اولاً زحمات من برای شخص محمدعلی میرزای باشد، برای خودم نیست. تازنده‌ام برای آسایش خاق ایران که دست اجانب کوتاه باشد، یا به تدابیر یا به جنگ حاضر ۲۵۲، ثانیاً شماها که صاحب غیرت می‌باشید راضی هستید دولت روس دخترهای شماها را در ماتشک‌خانه بفرستند و پسرهای شما را لباس قزاقی پوشانده مانند لزگیها که سابقاً در حمایت ایران بوده، امروزه به تصرف روسها باشید. تماماً جواب دادند ابداً به تبعیت روس ساعتی راضی نمی‌باشیم. چند روزی برای کاشتن جو، گندم مهات بدهید جاناً و مالاً در خدمات لازمه سعی و کوشش خواهیم کرد. تا چه اقتضا کند.

درباب روسها

يك عده قشون که چهار ماه قبل برای تغییر هوا به قراسو رفته بودند بیست و چهارم ماه نوامبر شب و روز متدرجاً دو بیست نفر سالداد، پنجاه نفر توپچی با چهار عراده توپ وارد به عمارات دیوانی گردیدند.

درباب تراکمه

به عرض رفته بود ترکمانها جلوگیری از شیخ محمدباقر برای دهات شیرنگ نموده بودند، به امر قونسول شش نفر از سران طایفه داز را آورده در حبس بودند. چوب زیادی به آنها زده مرخص نمودند.

درباب غوغای کردمحل

حیدرقلی خان مسعود السلطان از طرف ایالت به تمویب قونسول روس حاکم کردمحل

و کلاتر بلوک بوده به سبب تعدیات فوق العاده اهالی کردمحل در این موقع وقت را غنیمت دانسته محمدقلی خان سرتیپ را که از منصب خلع بوده خوجه نفس خدمت سالارالدوله برده عرض حال نمودند. خلعت کلاتری نواب والا به مشارالیه داد، شلتوک مالیات کردمحل را خرواری هشت تومان تسعیر کرده، محمدقلی خان سرتیپ وجه را گرفته خدمت نواب والا می فرستند. از طرف امیرتوپخانه محمدخان شجاع لشکر برای مجازات محمدقلی خان مأمور شده به کردمحل رفتند. اهالی کردمحل با کمال بی احترامی کاغذ ایالت را اعتنائی نکرده جواب دادند اگر استرآباد متعلق بدولت روس است عموماً را تذکره بدهد در حمایت باشند. اگر متعلق به ایران است سالارالدوله شاهزاده و برادر محمدعلی میرزا شاه سابق می باشد، جمهوراً اطاعت خواهیم کرد. محمدخان مراجعت کرده وقایع را عرض نمود. تاچه اقتضا کند.

درباب گوکلان

بیست و پنجم ماه نوامبر خبر رسید ملاافغان طایفه ایکدر با محمودخان سرهنگ قزاق مستخدم گنبد قابوس با کموسر روس همدست شده به قوه روسها از طایفه گوکلان اسب و شلتوک به عنوان مالیات می گیرند.

درباب امیراکرم

معظمالیه از مازندران مراجعت کرده ورود دربندرجز ازدحام اهالی کردمحل را شنیده و اهمه می کند. از کفشگیری پنجاه نفر پیاده تفنگچی بندر می روند. بیست و هفتم ماه مذکور وارد به قریه کفشگیری شده. روز بیست و هشتم به استرآباد آمدند.

درباب قزاق

دو نفر قزاق [که] مستخدم و فرمان بردار میرزا علی اکبرخان گماشته سپهدار بوده اند، سلخ ماه نوامبر بدون اجازه به خوجه نفس خدمت سالارالدوله رفته اظهار جان نثاری نمودند.

درباب سالارالدوله

غره ماه دسمبر تمام سران جعفریائی و اتابائی و ایلیغی و غیره در خوجه نفس به عنوان عروسی حاضر بودند، برای انعقاد اردو با سالارالدوله قراردادند. چهارم ماه دسمبر اردو را در آقشین تپه مشرقی یکه مازو منعقد [ساخته]، بعد از کاشتن جو، گندم کلیه طایفه یموت در اردوی مذکور حاضر باشند. تاچه اقتضا کند.

نمره ۲۴۵

۱۶ دسمبر ۱۹۱۲

درباب سالارالدوله

به عرض رفته بود عظام الملك به امر قونسول روس برای تشکی هر بر خاقان به استرآباد آمده، منزل میرزا جعفر خان منشی وارد شده. نواب والا مشارالیه را احضار [کرده]. سیم ماه دسمبر به خوجه نفس رفتند.

درباب محمدعلی میرزا

ایضاً خبر رسید سالارالدوله آدینه مراد تاجر گموش تپه را بدروسید فرستاده، پادشاه سابق را حاکم داده به ایران بیاورند. تاجه اقتضا کند.

درباب امیر اعظم

بعد از گرفتن مسیب خان و قسم خوردن باقرآن مجید سالارالدوله که چهارصد نفر بودند تماماً تفنگ پنج تیره به انضمام صد و شصت موزرها ۲۵۲ شش بار پول و غنائم زیادی تصرف نمودند. سوارهای مذکور متدرجاً پیاده به استرآباد آمده به خوجه نفس می روند. تا چه اقتضا کند.

درباب امیر اعظم

ایضاً ششم ماه مذکور خبر رسید نواب والا اهالی شاهرود و سرکرده های استرآباد را محرک شده مجدداً او را به حکومت بخواهند و خود بدست دامغان رفته مشغول سنگربندی برای جلوگیری سوار سالارالدوله می باشد.

درباب خبر افواهی

نهم ماه دسمبر يك نفر ترکمان جعفر بائی عاجلاً به شهر آمده منتشر نمود که محمدعلی میرزا وارد خوجه نفس شده به قرب پنجاه تومان از خوانین مژدگانی گرفته می رود. معلوم شد دروغ صرف بوده، سالارالدوله مخبر شده ترکمان را احضار کرد، چوب مفصلی به او می زنند. حکم به قتل او نموده قضات توسط کرده بخشیدند.

درباب امیر اعظم

دوازدهم ماه مذکور خبر رسید حکومت شاهرود، بسطام و دامغان را به نواب والا واگذار کردند. لکن حکومت استرآباد هم احتمال دارد به اقتضای پولتیک واگذار شود

درباب سالاراللوئه

حسبالامر نواب والا يك بار نعل ميخ برای اسبها در خوجه نئس بردند.

درباب سوارهای ياغی

قنبرنام ۲۵۵ بجنوردی از سوارهای سردار معظم چندی در مشهد محبوس بوده عیال و اطفال او را به اجازه سردار مذکور در يموت می فروشند. بعد از خلاصی از حبس به گوکلان آمده در طایفه قای ۲۵۶، پناه به قوشه بای ترکمان آورده، چند مرتبه که راه خراسان را ترکمان چاپیده به سرداری قنبرنام است. برین دو نفر زن تلگرافچی با چند شیرازی و کرمانشاهی وقتل و غارت تماماً به سرداری مشارالیه می باشد. در ضمن هم کموسر روس قبل از رفتن به روسیه اهالی حاجی لر با فرنگ فارسین را قدغن سخت کرده متعرض سوارهای ياغی نشوند.

درباب تعمیر

به عرض رفته قونسول روس راه يکه مازو [را] که به خط استوا بدقراسو می رود تعمیر می نمایند. برای بقیه مخارج راه به توسط امیر توپخانه امرشد در منزل حاجی محمد تقی وکیل التجار سر کرده ها و تجار انجمن کرده به عنوان اعانه هشتصد تومان از تجار گرفته مبلغ سیصد تومان سر کرده ها تسلیم قونسول نمودند. تاجه شود.

۲۵۵- اصل: قمبر.

۲۵۶- تلفظ در ترکمنی «قائی» است.

مخابرات استرآباد

۱۹۱۳

۲۴ محرم ۱۳۳۱ - ۲ صفر ۱۳۳۲

نمره ۲۵۰

مخابرات طهران

۶ جنواری ۱۹۱۳

درباب سرقت

هیجدهم ماه دسمبر خبر رسید دزد طایفه داز بیست رأس گوسفند با دورأس گاو از قریه جهان آباد که تازه مشغول آبادی آنجا می باشند سه فرسخی مشرقی به سرقت بردند.

درباب روسها

به عرض رفته قریه شیرنگ را آباد می نمایند. بیستم ماه مذکور خبر رسید صد خانوار از مالکانهای رعیت روسی با زن و بچه به خاک شیرنگ شش فرسخی مشرقی وارد شده مشغول به کسب و زراعت می باشند.

درباب سرقت

ایضاً خبر رسید دزد طایفه اتابائی دو رأس گاو با چند گوسفند از قریه فوجرد یک فرسخی شمالی سرقت کرده، در صورتیکه راپرت به قونسول روس می دهند، به ملاحظه آمدن سالارالدوله چندان اعتنائی نکرده اکثر از جاها بی اعتدالی و سرقت می شود.

درباب روسها

نواب سالارالدوله در خوجه نفس تراکمه جعفربائی عارض شده، رعایای روس زیر حد کرده محله اراضی قراسوراکه محل زراعت گاه تراکمه بوده بدون سبب متصرف شده مشغول به زرع می باشند. نواب والا امر نمود فوراً مالکانهای تبعه روس را از قراسو بیرون کرده ترکمانها هر یک زمین خود را تصرف کردند مالکانهای مذکور در یک فرسخی شمالی یکممازو آمده اراضی آنجا را گرفته شخم می نمایند و کسی نیست جلوگیری از آنها بنماید.

درباب سالارالدوله

نواب والا بیست و هشتم ماه دسمبر در نیم فرسخی کرده محله آمده خیال انعقاد اردو

داشت. سوار ترکمان متدرجاً از اتابائی وایلغی و جعفربائی به قرب هفتصدسوار خدمت نوابوالا رفته به واسطه سردی هواونداشتن چادر باسوارترکمان وارد به کردمحلّه شده. روز اول سواری وجه نقد داده و قرارداده روزی پنج هزار جیره بدهد و [چون] این خبر منتشر گردید باعث توهم سرکرده های استرآباد گردیده. از طهران امر شد ایوانف قونسول روس نوابوالا را ملاقات کرده قراری برای اصلاح کار بدهند. شب بیست و نهم ماه مذکور قونسول باسی قزاق به کردمحلّه رفته نوابوالا را ملاقات کرده قرار شد سوار تراکمه را مرخص کرده، قونسول پنج هزار تومان وجه برای مخارج نوابوالا بفرستند. سی ام ماه دسمبر نوابوالا در کردمحلّه روی منبر رفته بدسوارها اظهار نموده تلگرافاً بدین خبر رسید محمدعلی شاه از راه انزلی به سمت طهران می رود. من هم از راه مازندران خواهم رفت. هر کسی از سران تراکمه همراه من می آیند برای آنها حقوق خواهم گرفت. ترکمانها از عنوان شاهزاده مایوس گردیده تماماً برگشته به او به خود رفتند. نوابوالا حرکت کرده دوفرسخی بندر به قریه کارکنده منزل قهارخان سالار اشجع وارد شده، غره ماه جنواری قونسول پنج هزار تومان وجه همراه خود به قریه کارکنده برده تسلیم نوابوالا کرده مراجعت نمود. از قرار مذکور شاهزاده اجزاء خود را با پراخوت روانه رشت کرده. افواهاً بعضی می گویند بایک نفر ملازم به سمت طهران رفت و برخی انتشار داده به واسطه انقلاب طهران مراجعت به خوجه نفس نمودند.

نمره ۲۶

۱۳ جنواری ۱۹۱۳

درباب سرقت

شب هفتم ماه جنواری دزد طایفه اتابائی یک رأس مادیان از قریه محمدآباد یک فرسخی شمالی سرقت کرده بردند.

درباب قتل

ایضاً اسمعیل نام پیرمرن ساکن قریه ایلوار سه فرسخی مغربی باطایفه دیگر ضد بودند. شب... ۲۵۷ اسمعیل نام به خانه دیگری رفته بود، مراجعت از آنجا او را تفنگ زده مقتول شد. حسب الامر ایالت دونفر فراش به قریه ایلوار رفته، سه نفر از اشخاصی که طرف بودند مغلولاً به شهر آورده حبس نمودند.

درباب سرقت

ایضاً خبر رسید دزد طایفه اتابائی یک رأس مادیان از قریه زنگی محلّه به سرقت بردند.

درباب روسها

قریه نوده دوفرسخی مشرقی که پنج دانگ متعلق به دولت و خالصه بود در تصرف پسران حاج عبدالصمدخان [و] حاجی موقرالملک مرحوم بود، قریه مذکور را بالمناصفه به ایوانف رئیس تلگراف روس آباد می نمایند. تراکمه کمافی السابق در این فصل او به خود را به نارتپه نزدیکی جنگل برده قزاق روسی تراکمه را به شهر آورده حبس نمودند.

درباب سرقت

شب ۹ ماه مذکور ترکمان اتابائی دو رأس مال از قریه جعفرآباد نیم فرسخی مشرقی به سرقت بردند.

درباب روسها

چند روز قبل جمعی از رعایای کردمحلّه در قراسورفته خواستند قدری ماهی برای آذوقه خود صید نمایند، روسها چوب زیادی به آنها زده کله خورده برگشتند. تا چه اقتضا کند.

درباب روسها

از قرار تحقیق عده روسها در گنبد قابوس صدوپنجاه نفر سالداد، صدوپنجاه نفر سوارچکت می باشد و سپرده به جعفرقلی خان مترجم است.

درباب روسها

ایضاً خبر رسید يك نفر زن صاحب منصب روس که در قریه شیرنگ آمده گردش می رود دونفر شکارچی توی جنگل به مشارالیه برخوردند او را اذیت کردند. مراجعت به قریه باکمال سختی دونفر مرتکب رومی خواهد آنچه تفحص نمودند اثری از آنها به ظهور نرسید. در ضمن ۲۵۸ مشارالیه حکمت ۲۵۹ هم می کند.

درباب سالارالدوله

چند شب در قریه کارکنده منزل سالار اشجع خواست از راه مازندران به طهران برود، خبر دادند به تحریک قونسول اسمعیل خان امیر مؤید سر راه او را گرفته نواب والا واهمه کرده مراجعت به خوجه نفس نمودند. چند نفر از سوار و پیاده هم از راه گوکلان خدمت نواب والا آمده بودند. سه روز است سالارالدوله از خوجه نفس حرکت کرده از راه اتابائی به سمت طایفه داز عزیمت به گوکلان کردند. تا چه اقتضا کند.

۲۵۸- اصل: ظمن.

۲۵۹- ظاهراً مقصودش طبابت است.

۲۶۰- (جنرالی).

نمره ۱

سیام جنواری ۱۹۱۳

درباب کموسر

شب سیزدهم ماه جنواری که سال نو روسها بود دو ساعت از شب گذشته کموسر با درجه گنرالی ۲۶۰ وارد بهقونسولخانه شده نه ساعت از شب مذکور بنای آتش بازی و صدای تفنگ و توپ [و] خمپاره [گذاشته] که تمام اهالی شهر از خواب بیدار شده تا صبح منزل بودند. چهاردهم ماه مذکور کموسر از راه کتول بهقریه سنگدوین رفته، بعد از سرکشی آنجا گنبد قابوس رفتند.

درباب حقوق

ایالت استرآباد بعد از گرفتن بیست هزار تومان و آمدن به استرآباد دیناری به سر کرده‌ها و صاحبان حقوق نداده آخر الامر پانزدهم جنواری به توسط محمدباقر خان امیراکرم تلگرافاً از حکمران استرآباد شکایت کردند. دستورالعمل جدید از طهران برای رئیس مالیه آمده، چون سپهدار مالیات استرآباد را تسعیر کرده خرواری چهار تومان قرار بود در طهران پول بدهند. به موجب تظلم ارباب حقوق این مطلب را مبدل نموده از بابت مالیه استرآباد صاحبان حقوق برداشت نمایند. چند روز است منتظر ورود مسیو و اندرل ۲۶۱ رئیس گمرک می باشند. تاچه اقتضا کند.

درباب قراء شیرنگ

اولا خاک شیرنگ که متعلق به سادات بوده از قرار نصف واگذار بهقونسول روس نمودند. دهات متعدد می باشد که جزو بلوک فخر عمادالدین محسوب می شود. شیخ محمدباقر که به معاونت قونسول صاحب یک دانگ شده یک دفعه به موجب قانون شرع که اراضی بایره ۲۶۲ بدون صاحب متعلق به قاضی شهر است به قرب سی هزار ذرع به مبلغ هفت هزار تومان به روسها فروخته و اینک سیصد هزار ذراع از شمالی خاک شیرنگ که در تصرف تراکمه‌داز می باشد خیال دارد به مصرف فروش برساند. حالیه چهارقریه در خاک شیرنگ آباد شده. رعیت از همه جا متواریاً می روند.

درباب سرقت

هفدهم ماه مذکور خبر رسید به سرداری آدینه گلدی طایفه‌داز چند نفر تراکمه بهلکه و دویجی بهقریه شیرنگ رفته، بیست رأس گاو سرقت کرده بردند. قنبر ۲۶۳ غلام

۲۶۱- قبلا وندرل ضبط کرده.

۲۶۲- اصل: واهره.

۲۶۳- اصل: قمبر.

باسه نفر سوارچکت از طرف قونسول به طایفه دویچی رفته سه چهار سارق را با گوشت و پوست گاوها گرفته به شهر آوردند. مجدداً شش نفر چکت به اتفاق قنبر برای گرفتن آدینه گلدی ۲۶۴ ترکمان داز رفته اوراهم باسه نفر دیگر دستگیر نموده آوردند و سه نفر از سارقین را به امر قونسول در بازار برده فلك نموده چوب مفصلی زدند. غرامت گاوها یکی شصت تومان مطالبه دارند. تاجه شود.

درباب نزاع

ياك نفر رعایای ساعدلشکر کوچیده به قراء شیرنگ می رفت. علی محمدخان برادرزاده ساعدلشکر رعیت را برگردانیده، چوب مفصلی به او می زند. خبر به قونسول رسیده امر نمود امیرتوپخانه علی محمدخان را گرفته در حبس است. تاجه اقتضا کند.

سالارالدوله

بیست و ششم ماه جنواری خبر رسید نواب والا از خاک یموت خارج شده بدست رامیان و حاجلر رفتند. ده نفر سوار چکت مستحفظ نواب والا می باشند. تاجه اقتضا کند.

درباب حقوق

به قرب ده ماه می شود تفنگ برزنکه روس و تفنگ ورائدل از توابع استرآباد خریداری شده، به سمت خیوق می برند. چهل منات خریده صد و هشتاد منات به مصرف فروش می رسد.

درباب قونسول روس

چندی است قونسول به منصب جنرالی [منسوب] و مأموریت آذربایجان واگذار به مشارالیه گردیده. از تبریز تلگرافاً تبریک گفته اند. لکن قونسول میل کلیه به توقف استرآباد دارد. تاجه شود.

نمره ۲۵

۱۵ ماه جنواری ۱۹۱۳

درباب امیراعظم

غره ماه فرواری خبر رسید نواب والا شخصاً در شاهرود توقف کرده حکومت سمنان را واگذار به کربلائی نظرخان سالارنموده رفتند.

۲۶۴- در ترکمنی «آنه» بمعنی جمعه (=آدینه) در نام اشخاص استعمال دارد و وکیل الدوله درمخابره خود شکل مستعمل در فارسی را آورده است.

درباب حقوق

به عرض رفته بود دستورالعمل برای پرداختن مواجب سرکرده‌ها آمده از بابت مالیات بدهند. چون قونسول بامیرزا علی اکبرخان گماشته سپهدار همراهی می‌کند، به حکومت قدغن کرده تمام مالیات حتماً به گماشته سپهدار برسانند. مسیو واندرلر رئیس گمرک به شهرآمده سرکرده‌ها مطالبه حقوق کردند. جواب داده حالیه حکومت استرآباد طرف می‌باشد تاخیر جدید از طهران برسد.

درباب سرقت

چندی است از توی شهر ودهات سدن رستاق و مازندران مال و گاو زیادی به سرقت می‌برند و سارق هم اهل بلد [ست] و دهات به سبب هرچ و مرج و عدم کنایت حکومت و امنیت، روسها منحصر به خودشان است و جلوگیری از تراکمه هم می‌نمایند. لکن همراهی در امورات معوقه بلدیة ندارند.

درباب صیدماهی

به عرض رفته بود اجزاء لیانازوف در ملاکیله اهالی کردمحلہ را مانع از صید ماهی می‌باشند. چندی است علماء و سادات کردمحلہ در این باب به کارگزاری شاکی شده معظم‌الیه هم‌را به تسامح و تعلل می‌گذرانند. ابدأ میل ندارد در کارهای داخله با روسها مذاکره کند. تا چه اقتضا کند.

درباب خبر جدید

شخصی از دوستان وکالت [که] در گنبد قابوس مشغول به کسب است به استرآباد آمده زمان ملاقات اظهار داشت در سه چهار ماه قبل بین نردین و بجنورد یک نفر چوپان در کوهستان یک عدد دیگ بزرگی مملو از اشرفی قدیم که به اندازه کف دست [بود] پیدا می‌کند. یک نفر دیگر هم با او شراکت کرده بین ایشان نزاع می‌شود. خبر به سردار معظم بجنوردی رسیده دیگ اشرفی را فرستاده بردند.

درباب سپهدار

ششم ماه فرواری مسعودالملک هزارجریبی از تفلیس تلگرافی به امیراکرم نموده به اتفاق سپهدار وارد تفلیس شدیم.

درباب کردمحلہ

میرزا علی اکبرخان گماشته سپهدار دو دانگ ونیم کردمحلہ را به حیدرقلی خان مسعودالسلطان اجاره داده، به سبب تعدیات مشارالیه محمدقلی خان سرتیپ را به اجازه سالارالدوله کلانتر قرارداد و نصف مالیات را هم به نواب والا پرداختند. مجدداً حیدرقلی خان مطالبه مالیات کرده. هشتم ماه مذکور جمعی از سادات و کدخدایان کردمحلہ به شهرآمده از حیدرقلی خان شکایت دارند. قونسول برضد عارضین یک نفر غلام باماموری نهم ماه فرواری به کردمحلہ فرستاده از طرف حیدرقلی خان مالیات بگیرند. تاچه شود.

نمره ۳۵

۱۹۱۳

درباب تعمیر خیابان

سابقاً بدعرض رسانیده بود نقشه خیابان را قونسول ازیکه مازو کشیده، از شرقی بدنه شهر داخل دروازه بسطام که ملحق می شود به باغ قونسولگری، مخارج را تماماً به حکم قونسول از تجار و سرکرده ها گرفته. از قرار مذکور خیال دارند از قراسو منتهی می شود به دریا خط آهن به استرآباد کشیده، شش فرسخ مسافت دارد.

درباب سالارالدوله

دوازدهم ماه فرواری خبر رسید نواب والا وارد سبزوار گردیده، سوارهای گوکلانی و حاجی لریها که مشایعت نواب والا رفته بودند شتروقاطر زیادی امیراعظم وارد به سبزوار کرده بود، مراجعت سوار گوکلان شتروقاطرها را چپاول کرده آوردند.

درباب کرده محله

بدعرض رفته بود بعد از فرستادن قونسول غلام خود را برای گرفتن مالیات، چون اهالی کرده محله برضد حیدرقلی خان باهم قسم یاد کرده بودند توسط ناقرخان امیراکرم هزارتومان به قونسول تقدیم گردیده و همراهی سخت داشت مجتهدین استرآباد محض رفاهیت حال رعایای کرده محله مبادا نزاعی اتفاق بیفتند، طرفین در منزل حاجی سیدطاهر مجتهد اصلاح کرده حیدرقلی خان به اتفاق محمدقلی خان سرتیپ مالیات را جمع آوری نمایند.

درباب امیراعظم

پانزدهم ماه مذکور نواب والا به امر وزیر جنگ تهیه اردو گرفته برای گرفتن سالارالدوله به خراسان می رود. ایضاً پانزده هزارتومان هم برای مخارج اردو وجه حواله نمودند. مجدداً خبر رسید سالارالدوله تسلیم شده حکومت گیلان را به نواب والا واگذار کرده اند. قرار است از راه گوکلان مراجعت به استرآباد نموده بعد از امور عزیمت به رشت نمایند. تا چه اقتضا کند.

درباب سیف الملک

بدعرض رفته بود لیوان هشتیکه سابقاً خریداری سپهسالار بوده، بر حسب تقسیم ارث قرء مذکور را به سیف الملک داده بودند و آن هم سه ساله قهارخان سالار اشجع اجاره داده بود. چندی قبل دونفر برای تصرف املاک نواب والا از طرف وزارت خارجه و مالیه استرآباد آمده منزل منشی قونسول وارد شدند. سه هزارتومان به امیرتوپخانه رشوه

داده به قوه قونسول همراهی نماید. حسن خان هژبر سلطان ۲۶۵ از طرف ایالت مأمور گردیده باگماشتگان سیف‌الملک بدلیوان هشتیکه رفته مالیات آنجا را دریافت نمایند. سالار اشجع به سبب اجاره سابقه محرك شده، رعایا شبانه اطراف هژبر سلطان ۲۶۶ باگماشته سیف‌الملک را گرفته تفنگ زیادی شلیک نمودند. ایشان فراراً پناه در بانک بندر جزر برده تلگرافاً خبر دادند سه نفر قزاق روس برای احضار قهارخان به اجاره قونسول بندر جزر رفتند. تا چه شود.

درباب سپهدار

علیقلی خان مسعودالملک که از فدائیهای سپهدار بوده وارد بندر جزر شدند. تلگرافاً به سالار امجد پسر امیر توپخانه خبر داد چون سپهدار به سمت پاریس حرکت نموده لهذا بنده را مرخص کردند چند روز دیگر به استرآباد می‌آیم.

درباب قراء شیرنگ

به عرض رفته بود پنج قریه شیخ محمد باقر تاکنون آباد کرده. سیصد و شصت خانوار رعیت کتولی و فخر عمادالدین را کوچانیده به ملک شیرنگ برده‌اند. بیست و پنج رشته قنات قدیمی که دایر بوده مشغول به حفرو تنقیه آنها می‌باشند. در ضمن اراضی شیرنگ را به روسها فروخته وجه آن را صرف تعمیر آبادی می‌نمایند. صد و هشتاد نفر مالقانی ۲۶۷ تبعه روس که در قریه شیرنگ آمده از جنگل درختان عظیم را انداخته تخته شش ذرعی و چهار ذرعی با ماشین بریده حمل به روسیه و سرحد می‌نمایند. قراء مذکور که تازه بنا نموده‌اند: قریه شیرنگ صد و پنجاه خانوار - مارانکلاته شصت خانوار - باقرآباد پنجاه خانوار - فاضلآباد چهل خانوار - نیرکان ۲۶۸ شصت خانوار.

نمره ۴

۲ ماه مرچ رفت

درباب روسها

زمانی که سپهدار وارد تفلیس گردیده به فرنگستان رفت قونسول رقعہ رسمی به کارگزاری فرستاده املاک خالصه که در تصرف سپهدار است در تحت نظارت دولت روس

۲۶۵ - اصل: هشبر.

۲۶۶ - اصل: هشبر.

۲۶۷ - مالقانی قسمتی از روسهای سفید را می‌گفته‌اند.

۲۶۸ - نام این آبادی در کتاب همهجا بصورت نیرکان آمده ولی محلی که اکنون به نامی شبیه

این کلمه وجود دارد «نیرکان» است.

است. من جمله در باب خریدن قریه باغ گلبن که سابقاً به عرض رسانیده مشارالیه بی اعتدالی [کرده] و حرفهای خشن نسبت به اهالی استرآباد و اربابان قریه نصیرآباد و غیره می زند و مردم را مجبور در فروش املاک یا اجاره سی ساله می نماید. رعایا را قدغن سخت کرده ابدأ از جنگل خیرات چوب و اصله برای فروش به شهر نبرند. بسیار سخت می گذرد به رعایای فقیر که معاش آنها از فروش چوب جنگل است. چون کسی نیست جلو گیری نماید حکومت استرآباد، امیر توپخانه هر زمانی که قونسول روس را ملاقات می کند عاجزانه می گوید که پیرغلام شما هستیم. این پیرغلام را در سایه خودتان نگاه دارید. کار گزار استرآباد هم عدم کفایت ایشان «کالشمس فی وسط السماء» می باشد و عموم خلق استرآباد امروزه خود را در تصرف دولت روس می دانند. تا چه اقتضا کند.

در باب شیخ محمدباقر

مشارالیه پسر آخوند ملا محمدعلی فاضل مشهور است. از رعایای بلوک فخر عمادالدین و متعلق به طایفه ملک است. قبل از انعقاد مشروطه گاهی به توسط ساعد اشکر یا کس دیگر می خواست املاک خالصه را اجاره کند. به سبب عدم اعتبار و جان بازی حکام و غیره اعتنائی نمی کردند. تا زمان انعقاد مجلس انجمن به توسط تجار ظاهر آخون را مشروطه خواه حقیقی نموده، در باطن استبداد، «هر لحظه به رنگی بت عیار بر آمد»، ریاست انجمن استرآباد را خواهان بود. به سبب اعتراف ایشان مردم حاجی شیخ حسین مجتهد را به ریاست عام نموده اوایل در کمال افتادگی و جانفشانی در مشروطه خواهی استقامت ورزیده مردم بر ضد خیالات شیخ محمدباقر رفتار می کردند. تا اینکه پانوف بامجاهدین خونخوار و قطاع الطریق به استرآباد وارد شد. سر کرده ها به اتفاق تراکمه قراء استرآباد را خراب و مجاهدین اهالی شهر را چاپیده شورش عمومی شد. شیخ محمدباقر پانصد قبضه تفنگ و رندل دولت را بد انواع و اقسام بدست آورده متدرجاً در صحرای ترکمان به فروش رسانیده مصرف معاش نمود تا حکومت امیر اعظم که خیانت مشارالیه ثابت شد به اعضای انجمن مجازات او را نوشتند. نواب والا در خیال مجازات او افتاد. شیخ محمدباقر به توسط میرزا داود تاجر مسیحی شبانه خود را به قونسلخانه انداخته، چهل روز متحصن بود. عقد اتحاد برای خرابی استرآباد با روسها بسته تا زمان ورود محمدعلی میرزا خود را از جمله فدائیه و استبداد قلمداد داده بر ضد مشروطه خواهان رفتار [کرده] دخل ریادی برده، بعد از مراجعت شاه سابق به روسیه با قونسول روس معاهده نموده به میل آنها رفتار کند. تا اینکه قرای شیرنگ و نیرکان را از سادات چهار دانگ، دودانگ برای آبادی گرفته با قونسول مناصف قرار داده اراضی مزبور را که نرعی یک تومان قیمت دارد و جواهر خیز است به قیمت جزئی به روسها فروخته. پول آنها را مخارج آبادی قریه می نماید. در ضمن اراضی و نشیمن تراکمه یموت را به قوت روسها تصرف کرده طایفه داز از ترس قدرت تکلم ندارند. گاهی در منزل نخوت و تفرعن ورزیده مانند سلطان حسین که می گفت ۲۶۹ بابا آدم باغبان

ما بود. دولت فخمیه انگلیس را... ۲۷۰ در ایران از جنوب یا شمال تصرفات پویتیکی نمائید. خط شمالی متعلق و منحصر به دولت روس است. به همین حرفهای مزخرف املاک بیچارگان را به تصرف روسها می دهد و مردم را فریفته کرده دهات مخروبه را آباد می کند. در صورتیکه چند پرگاله قراء شیرنگ را آباد می نماید فقط بایک نفر حاجی سید جعفر قرارداد نموده املاک وقف سایر ورثه را ابداً اجاره وامضاء ندارند. به قوه جبری به وقهریه مشغول فروختن اراضی استرآباد می باشد. تا خدا چه خواهد.

نمره ۵

۱۲ مرچ رفت - ۱۹۱۳

درباب روسها

چهارم ماه مرچ قونسول روس اعلان نموده برای تبریک تاجگزاری و سلطنت سیصد ساله دولت روس از سه ساعت به غروب وقت دارم حکومت، سر کرده ها و تجار تبریک بگویند. اول وقت حکومت و سر کرده ها به قونسولگری رفته، و کالت هم حضور داشت. حکومت و سر کرده ها اظهار تشکر از نظم و فراغت استرآباد می کردند. قونسول در جواب حکومت گفت شما که می دانید من زحمت زیادی برای امنیت استرآباد کشیدم تاکنون یک نشان از طرف دولت برای من نخواستید. شماها خیلی بی غیرت هستید. ایالت از خود گذرانیده گفت تقصیر اولیای دولت ما می باشد.

درباب قتل

شب پنجم ماه مرچ دربندر جز تجار آرامنه جشن امپراطور داشتند. یک نفر روس غفلتاً به خانه ارمنی رفته صاحب خانه دوتیر تفنگ به روس زد. با چند زخم کارد مقتول شد. صبح شخص ارمنی را اگنطروس گرفته از قرار مذکور اظهار نموده من تبعه دولت انگلیس می باشم. هر آینه جواب قانونی برای قتل روسی دادم فبها المراد و الا هزار منات خونی مقتول را خواهم داد. تحت الحفظ اورا به شهر آورده در حبس است.

درباب سالارالدوله

از طرف وزیر داخله به نواب والا امیر اعظم امر شده بود پذیرائی و استقبال از سالار الدوله نماید. پانصد سوار دامغانی و غیره بادو عراده توپ همراه برداشته استقبال می رود. سالارالدوله اعتنائی نکرده از راه نردین و کوهسار به فندرسک آمده. شب دوازدهم ماه مذکور وارد به دهات ملک سه فرسخی مشرقی [شده] ساعد لشکر پذیرائی نمودند.

درباب قدغن روغن

فصل بهار و هوای معتدل زمستان روغن درطایفه گوکلان زیاد می‌شود. کموسر قدغن سخت نموده روغن به کلی درشهر نیاورند. هرآینه جلوگیری نمی‌شد از قرار پوطی شش تومان و نیم الی هفت تومان به فروش می‌رسید.

درباب سالارالدوله

روز دوازدهم ماه مرچ قونسول روس باسرکرده‌ها دوفرسخی استقبال نواب‌والا سالارالدوله رفته بعدازظهر وارد درشمالی شهر جنب‌دروازه گردیده، دراردوی خود منزل نمودند. دوساعت توقف کرده بعداز صرف نهار حرکت به سمت کفشگیری دوفرسخی مغربی نمودند.

نمره ۶

۳۱ مرچ رفت - ۱۹۱۳

درباب سالارالدوله

دوازدهم ماه مرچ بعداز ظهر جنب‌دروازه فوجرد ورود نموده دوساعت توقف [کرده] حرکت به سمت قریه صیدمیران یک فرسخی مغربی نموه صبح سیزدهم به کردمحله رفتند. بعداز صرف نهار قهارخان در قریه کارکنده بوده صبح شانزدهم بایک عده سوار به سمت جز رفته، روز هفدهم شخصاً دربندر می‌رود. سه هزار تومان وجه برای مخارج سوار واجزاء تهیه نموده مراجعت به قریه جز نمودند.

درباب تراکمه

به سبب سختی روسها به عموم مردم استراباد ویموت چند نفر سران طایفه جعفربائی خدمت نواب والا سالارالدوله رفته عرض نمودند که طایفه یموت جداً حاضر است که شمارا در استراباد نگاهداری کرده از گوکلان الی خاک جعفربائی هرخانه پنج تومان وجه نقد تقدیم می‌نمایند که دست روسها را از سرما بردارید، اهل و عیال ماها خواب راحت داشته باشند. جاناً و مالاً فدائی خواهیم بود.

درباب قهارخان

بیستم ماه مرچ خبر رسید مشارالیه از طرف نواب‌والا به سمت رشت رفته، ترتیبات آنجارا برای نواب معظم تلگرافاً خبر دهد. بعضی می‌گویند قهارخان از ترس قونسول فرار کرده و برخی می‌گویند مشارالیه برای استقبال و پذیرائی محمدعلی میرزا رفته است. تاجه اقتضا کند.

درباب سالارالدوله

بیست و یکم ماه مذکور قونسول روس به امر وزیر مختار برای حرکت نواب والا به اتفاق میرزا علی اکبرخان منشی بانك استقراضی، گماشته سپهدار از راه قراسو بندر جز می روند برای ملاقات نواب والا. در قریه جز رفته با کمال بی اعتنائی دو ساعت وقت نداده شاهانه رفتار کردند. قرار شد اسلحه را از سوارها اخذ نمایند. قونسول مراجعت به بندر نموده میرزا حسین خان پیشخدمت از طرف نواب والا برای گرفتن اسلحه سوار به قریه دشتی کلاه ۲۷۱ جنب قریه جز رفته نواده سلیمان خان افشار باسی سوار شخصی برای خدمتگزاری مشغول بوده جواب می دهد در خاک اسب و تفنگ شخصی را چگونه می شود به غیر بدهم. ربطی به دولت یا نواب والا ندارد. قاصد برگشته مطالب را به عرض می رساند. نواب معظم دو مرتبه میرزا حسین خان را می فرستد می گوید هر آینه اسلحه را ندهید به امر قونسول روس از شما می گیرند. قاصد مذکور آمده اظهار داشت اگر اسلحه را ندهید از شامی گیریم. رئیس سوارها به محض شنیدن این حرف فوراً میرزا حسین خان پیشخدمت را تفنگ زده مقتول [کرده] و با سوار خود حرکت به سمت عراق می نماید. تاچه [شود].

درباب نزاع

همه ساله از طرف تجار آذربایجانی در خاک یموت خریدشتر می شود. ستارخان تبریزی با دو نفر دیگر شصت نفر شتر خریداری کرده دو فرسخی شمالی تعلیف ۲۷۲ می کردند. شترها داخل غله ای که متعلق به ترکمان اتابائی بوده می شوند. مستحفظ غلات يك نفر ساربان را تفنگ زده مجروح شد. خدمت ایالت عارض شده حسب الامر ایالت تراکمه اتابائی به شهر آمده اظهار داشتند عمداً نبوده، بین ایشان را اصلاح کرده رفتند.

درباب محمد علی میرزا

[به] موجب روزنامه ارامنه و ترکی چندی است اعلیحضرت با عبال و اطفال ناپدید است. افواها می گویند عزیمت به ایران نموده. تاچه شود.

نمره ۷

دهم اپریل رفت

درباب تعنی

به عرض رفته بود قریه باغ گلبن خریداری قونسول روس است. چند نفر رعیت آنجا چون خود را در تحت [امر] قونسول دانسته انواع و اقسام به سایر خلق درشتی می نمایند.

۲۷۱- نام قریه خوانده نمی شود شبیه دشتی کلاه.

۲۷۲- اصل: تألیف.

من جمله ملازم اعتصام الممالک را توی بازار بی سبب چوب و افری زدند. پسر کدخدای باغ گلین زیارت خاصه رود رفته يك عدد چارقد دختری را سرقت نموده در شهر نزد آخوندی عقد می کند. بعد دونفر قزاق روس همراه برده دختر زیارتی را جبراً کشیده آوردند. مار و پدردختر به شهر آمده در هر مجلس و محفلی گریه و زاری نمودند. کسی اعتنائی نکرده، فقط ملاحظه قونسول در بین است.

درباب سالارالدوله

به عرض رفته قونسول برای حرکت ایشان بندر رفته بود. بعد از قتل میرزا حسین خان پیشخدمت نواب والا جواب دادند برای حکومت رشت يك نفر پیشکار می فرستم و شخصاً نخواهم رفت. قونسول پنجاه نفر قزاق با دو عراده توپ بندر جز برده پانزده یوم توقف کرده بعد مراجعت نمود. لکن نواب والا از اطراف مشغول جمع آوری سوار می باشند. در آن زمان از بابت مالیات غله پولی دریافت نموده، مأموری معین کرده، پنجاه نفر از قاجاریه استرآباد و آنزانی سوار پارکابی ده روزه با اسب و تفنگ حاضر ۲۷۲ نمایند. تا چه اقتضا کند.

ایضاً سالارالدوله

کاغذی به حاجی سید طاهر و آقاسید جمال مجتهد احوال پرسی نوشته بودند. محرمانه اظهار شده بود هفت نفر از رعایای آذربایجان و زنجان [به] عدسه ۲۷۲ خدمت محمدعلی میرزا رفته او را حرکت داده پاریس رفتند که مذاکرات قانونی بشود.

درباب حکومت

مدتی است لشکر نویس و سایر اجزاء و مأمورین به سبب نرسیدن حقوق شاکی شده و چند تلگراف برای ایالت رسیده حقوق بدهند. ابدأ اعتنائی نکرده. آخر الامر از پریشانی لابد شده هفتم ماه اپریل در تلگرافخانه متحصن شدند.

نمره ۸۵

۱۷ اپریل رفت - ۱۹۱۳

درباب قورخانه

شب یازدهم ماه هفت ارابه تفنگ و فشنگ از راه قراسو وارد به قونساخانه نمودند.

۲۷۳ - اصل: حاضر.

۲۷۴ - (=) ادسا که محمدعلی شاه در آنجا زندگی می کرد.

درباب شورش فنדרسک

به عرض رفته بود سلطان العلماء قاجار به موجب فرامین قدیمه سه سنگ ونیم آب رود سرخون محله را با قریه سنگ دویین که مخروبه بوده و سالها در تصرف مفاخر الملك حاکم کتول بوده بالمناصفه با کموسر روس قرارداد آید نمایند. به قوه جبریه تخمیناً دویست خانوار رعیت کتولی در آنجا ساکن گردیده. در ضمن آب رود سرخون محله که سه تقسیم می شود: دو تقسیم آن متعلق به فنדרسک است و یک تقسیم آن وارد کتول خواهد شد و چند شعبه می شود، اولاً یک سهم را کتول در حیطه تصرف در آورده و دو سهم فنדרسک راهم جلوگیری کرده به قریه سنگ دویین ببرند. اهالی فنדרسک در این باب شورش کرده کاغذی به ایالت نوشتند. لکن نتیجه حاصل نخواهد شد.

درباب قهارخان

سیزدهم ماه مذکور خبر رسید حسب الامر سالارالدوله مشارالیه خدمت محمد علی میرزارفته بودند قبل از ورود مشارالیه حضرت معظم از عدسه ۲۷۵ حرکت کرده بودند و ملاقات نکرده مراجعت نمود.

درباب قتل

چهاردهم ماه اپریل خبر رسید در گلوگاه مرتضی قلی نام که از قطاع الطریق و سارق بوده برای دو قران وجه علف بر بهانه جوئی کره پسر حاجی غلامحسین را با تفنگ سه تیره مقتول [ساخته] و قاتل فراراً در ساری خدمت سالارمکرم پناهنده شدند. تاجه شود.

درباب سرقت

شب پانزدهم یک درب دکان در گذر سوخته چنار [راشکافته] حد و پنجاه تومان از قند و تریاک و غیره به سرقت بردند.

درباب قونسول

ایضاً مشارالیه ۲۷۶ برای ملاقات سالارالدوله به کرد محله رفته، نواب والادرا آنجا آمده یک ساعت باهم مذاکره نموده برگشتند.

درباب سالداد

ایضاً به امر قونسول عده قزاق روس بادو عراده توپ حرکت به قراسون نمودند.

درباب کموسر

شانزدهم ماه اپریل کموسر روس به اتفاق محمودخان سرهنک باهشتاد نفر سوار

چکت و قزاق وارد استرآباد می‌شوند. بعد از سه چهار یوم عزیمت به مرآوه نپه خواهند نمود.

درباب سرقت

شب ۱۷ ماه مذکور کتک نام ۲۷۷ ترکمان جعفر بائی به قرب دویست رأس گوسفند از قریه اوجابن ۲۷۸ یک فرسخی شمالی سرقت کرده بردند.

نمره ۹

۲۷ اپریل رفت - ۱۹۱۳

درباب سالارالدوله

شب ۱۸ ماه اپریل قاصدی برای نواب والاخبر داد امیر اعظم با پانصد سوار مأمور است که شمارا تحت الحفظ به روسیه بفرستد. فوراً تهیه سوار دیده صبح هیجدهم با صد و پنجاه سوار شخصی و صد نفر پیاده بدریاست قهارخان اشجع الملک از کارکنده و باغو برداشته به کردمجله آمدند. بین راه بالا جاده و کردمجله اردو منعقد شد. با خوانین جعفر بائی قسم یاد کرده قونسول روس اطمینان داده است که امنیت خود را از بابت تراکمه برداشتم. طایفه یموت چون از روسها واهمه داشتند برای مستمسک حاضر بودند که مشغول تاخت و تاز گردیده فوراً خبر در طایفه ترکمان منتشر [شده] برای هر طایفه قاصدی فرستاده شد. دو روزه چهار صد سوار از جعفر بائی و اتا بائی به کردمجله رفتند. در ضمن امیر اعظم از راه جهان نما با چهل و پنج سوار وارد به قریه صید میران [شده] دو نفر قونسول استقبال کرده، نوزدهم اپریل وارد به قونسلخانه گردیدند؛ سالارالدوله اردوئی از پیاده و سوار ولایتی با سوار ترکمان تشکیل نموده کاغذی به قونسول نوشتند. شرحی از تقلبات واغراق امیر اعظم نوشته و اظهار نموده بود هر آینه از قونسلخانه خارج نمایند من اورا دستگیر خواهم کرد. قونسول نوشته سالارالدوله را به امیر اعظم نشان می‌دهد. کلیه مطالب اظهر من الشمس است. مقصود [که] قونسول آشوب و انقلاب استرآباد و مازندران را خواهان است، به مقتضای پولتیک خود رفتار می‌نماید. در حضور سر کرده های استرآباد می‌گوید چنانچه سالارالدوله به یک نفر استرآبادی صدمه برساند به من عارض بشوند قزاق می‌فرستم گردن اورا ریسمان انداخته در قونسولگری بیاورند. از یک طرف سالارالدوله به ترکمانها اظهار می‌دارد [با] فرستادن محمد علی میرزا به روسیه مملکت ایران که تعلق به روسها نگرفته است، یا اینکه اولادهای فتحعلی شاه که وارث سلطنت ایران می‌باشند منحصر به محمد علی میرزا نبوده. اولاً استرآباد سرحدات به دولت روس واگذار نخواهد شد. ثانیاً قونسول حق ممانعت از من ندارد. در خاک ایران مجاز و مختار خود هستم.

۲۷۷- در اصل نقطه ندارد. طبق نظر آقای آنه محمد طواق محمدی مختوم اصلاح شد.

۲۷۸- اصل: آجابن.

هر آینه حرکات خارج از قاعده نسبت به من نمایند حاضر می‌شوم باین عده سرار شخصی جداً با روسها نزاع نمایم. تاچه اقتضا کند.

درباب امیر توپخانه

ورود امیر اعظم و اظهارات به کنایه او می‌نمایاند [که] بیست روز قبل وزیر داخله امیر توپخانه را احضار بد طهران نموده امیر اعظم حاکم استرآباد باشد و از آنجائی که برای پیشرفت کارهای روسها مانند امیر توپخانه لازم است لهذا قونسول همراهی کامل با امیر توپخانه دارند، میل به حکومت امیر اعظم ندارند. تاچه اقتضا کند.

درباب سالارالدوله

بعد از تحقیقات لازم برای ورود امیر اعظم خاطر جمعی حاصل نموده اردوی خود را از کردمحله حرکت داده بدنوکنده رفتند.

درباب امیر اکرم

مشارالیه از مازندران مراجعت به استرآباد می‌کند. در گلوگاه وارد شده از ترس سالارالدوله بندر جز رفته توی بارکاسی ۲۷۹ نشسته وارد بدقراسو [شده] از آنجا فراراً بد استرآباد آمدند.

درباب سالارالدوله

به موجب اطمینان کاملی که به تراکمد داده بودند از طایفه قجق و غیره الی خاک جعفر بائی متفرقه سوار یموت خدمت نواب والا می‌روند. بیست و پنجم ماه اپریل مهدی شاه امیر پنجه برادر میرزا سعدالله خان ایلخانی که مدتی مشروطه خواه [بوده] و سال قبل با محمد علی میرزا جنگ می‌کرد از عقیده خود برگشته بانواب والا اتحاد ورزیده دویست سوار ولایتی، دویست سوار یموت که چهارصد سوار باشد همراه برداشته حسب الامر سالارالدوله به حکومت مازندران رفتند. لکن بعضی از خوانین مازندران فرار کرده و برخی از صاحب منصبان زاغ مرز و قره تپه با شاهزاده همراهی دارند. تا چه اقتضا کند.

درباب روسها و قشون سرحدی

قشون روس صدوسی نفر سالداد و قزاق مستخدم بارفروش را ندر جز آورده در کاروانسراها منزل دادند. عوض آنها در بارفروش فرستاده شد. چهارصد نفر سالداد به قراسو جنب دریا وارد، پنج عدد چادرپوش و چهارده عدد چادر کوچک و چند کمه و چهار عراده توپ به انضمام قورخانه دارند. دویست نفر سالداد با هفت نفر صاحب منصب بزرگ و کوچک در استرآباد مهیا دارند. دویست نفر هم سالداد و سوار چکت در گنبد

قابوس تحت فرمان کموسر می‌باشند. تاجه‌شود.

نمره ۱۰۵

۸ ماه می رفت

درباب امیر اکرم

از قرار مذکور چندی قبل که به مازندران رفته بود برای حفظ آن حدود دستور العمل برای جلوگیری سوار سالارالدوله، مراجعت به استرآباد آمد.

درباب مازندران

يك چشمه پل تجین^{۲۸۰} جنب ساری خراب بود، سهم الممالک پسر اسمعیل خان امیر مؤید باچهل قزاق و چند نفر سوار شخصی بسخو داشته مهدی شاه امیر پنجه با سالار اشجع مقابل پل تجن رسیده شلیک تفنگ می‌شود. ترکمان جعفر بائی مقتول، سه نفر ترکمان بایک نفر پیشخدمت سالارالدوله و چند نفر دیگر مجروح شده برگشتند. مجدداً از دو طرف به دستور العمل عظام الملك یورش آورده قزاقها از جلو پل فرار کرده خود را در باغ شاه انداخته سنگر بندی نمودند. یازده نفر از آنها مقتول و مجروح شده، مهدی شاه با سوارها وارد در ساری گردید. صد هزار تومان مالیات مطالبه دارند. لکن دوسه قریه [را] که متعلق به اسمعیل خان سواد کوهی و لطفعلی خان سالار مکرّم بود حراب [کردند] و چاپیدند. نواب سالارالدوله، ترکمان مقتول را صد تومان به وارث داده، مجروحین را بیست تومان برای معالجه می‌دهد و سوار ترکمان متدرجاً به مازندران می‌روند. تاجه‌شود.

درباب خرید ملک

به عرض رفته بود امیر توپخانه باغ اگنط روس را هزار و پانصد تومان در استرآباد خریداری کرده، اگنط مزبور به اندازه سی جریب در نوکنده که نیم فرسخی بندر جزاست مبلغ هشتصد تومان از یک نفر طلبه خریداری کرده. کلیه مقصود برای چوب جنگل است.

درباب جنگل کردمحلّه

اولاً مالقانه‌های تبعه روس که در قراسو ساکنند اراضی کردمحلّه را به قرب دو فرسخ ونیم تصرف مالکانه و زراعت کاشته‌اند. تاکنون از جنگل کردمحلّه هر قدر چوب می‌بردند کسی معترض آنها نمی‌شد. اربابان کردمحلّه با حیدرقلی خان جنگل را به میرزا شریف برادر منشی قونسولگری اه‌مبلغ جزئی اجاره داده، ایشان جلوگیری از مالقانه‌ها نموده چند دفعه به قونسول شاکی شده آخر الامر قرار داده چوبهارا که با آرابه حمل می‌نمایند

پوطی پنج‌شاهی گمرک بدهند. تاچه اقتضا کند.

درباب سرقت

شب غره ماه می، بیست‌من سنگ تبریزی ابریشم پاک کرده از خانه حاجی محمدرضای شهرباف به سرقت بردند.

درباب سرقت

ایضاً خبر رسید شب سیم ماه مذکور تراکمه داز دورأس مال، دورأس گاو از میر محله به سرقت برده، ترکمانها مطالبه ساخلوئی خوددارند.

درباب لیانازوف

بهموجب شکایت لیانازوفیها چهار نفر سوار چکت به امر قونسول روس به خوجه نفس رفته چهار نفر ترکمان که بی اجازه ماهی صید کرده بودند به شهر آورده آنها را به توسط امیر توپخانه حبس نمودند.

درباب امیر اعظم

نواب والا روزی که وارد به قونسلخانه روس شد به عنوان حکومت استرآباد بود. در ضمن تلگرافی از وزارت جنگ به ایشان شد حساب امیر توپخانه رارسیدگی نمایند. به سبب بی‌اعتنائی قونسول به نواب والا از ورود به قونسلخانه پشیمان گردیده. ششم ماه می تلگرافاً خبر رسید یک عده سوار از طرف نایب حسین کاشانی به سمت جندق و ترود ۲۸۱ بلوک آمده خرابی زیادی کرده، آقاخان سنگسری را به قتل رسانیدند. امیر اعظم روز هفتم از استرآباد حرکت از راه زیارت خاسته [رود] به شاهرود رفت.

درباب سرقت

شب هشتم ماه مذکور دو جعبه آهنی که پانصدوسی تومان وجه و سیصد تومان اسناد بوده از خانه عباس آقای قاجار به سرقت بردند.

نمره ۱۱

۱۹ ماه می رفت

درباب سالارالدوله

دهم ماه می به موجب وعده‌ای که قونسول با سالارالدوله داده بودند طرفین در

جعفربائی رفته بعد از ملاقات فوراً برگشتند. نواب والا حرکت کرده به ساری رفتند. لکن از ورود نواب والا به مازندران مهدی شاه امیر پنجه صدمسوار برای گرفتن پنجاه هزار تومان وجه بارفروش فرستاده، به سبب بودن قشون روس اگنط قونسول ممانعت کرده داخل نشدند.

درباب سرقت

ایضاً خبر رسید تراکمه داز سهرأس گاو، یک رأس مال از قلی آباد سهرسخی مشرقی به سرقت بردند.

درباب حکومت

چندی که امیر اعظم به عنوان حکومت استرآباد آمده تازمانی که مراجعت کردند امیر توپخانه ابداً تعدی و حکمی برای احدی از قونسول جاری نمی کردند. بعد از حرکت نواب والا به سمت دامغان ایالت معزول [شده] با آن همه بی حالی و عدم کفایت حکمهای سخت نسبت به خوانین نمودند. علی اکبرخان اکرم الملك از ترس شبانه به سمت فندرسک فرار کردند. آقاخان امیر امجد را مأمور فرستاده از منزلش بکشند. مشارالیه در منزل میرزا علی اکبرخان گماشته سپهدار پناه برده به توسط ایشان اغماض شد. بعد میرزا ابراهیم خان رئیس ثلاث که از طرف رئیس گمرک مأمور گرفتن مالیات و اداره رسومات می باشد، در صورتی که دیناری مالیات استرآباد را تصرف نکرده بهانه جوئی می نمایند. در مقام توهین و افتضاح مشارالیه برآمده، چند نفر فراش در اداره فرستاده مطالبه مالیات نمودند. میرزا ابراهیم از ترس شبانه به سمت بندرجز فرار اختیار کرده کلیه دستورالعمل از طرف قونسول روس است. سختی به خوانین استرآباد به سبب اظهارت آنها از تعدیات کموسر و جلوگیری از املاک فندرسک و کتول بوده. به میل قونسول فشاری آوردند. سختی به میرزا ابراهیم خان رئیس ثلاث هم به واسطه خصومت قونسول با اداره بلجیکیهها ۲۸۲ می باشد.

درباب روسها

یک عده قشون روس که در استرآباد بوده ۱۴ اپریل حرکت کرده به قراسو ملحق شدند. سه ماه دیگر مراجعت خواهند کرد.

درباب سرقت

پانزدهم ماه مذکور خبر رسید دزد طایفه داز و دویچی از قریه شیرنگ که متعلق به روسها و شیخ محمد باقراست همه شب گاو و مال به سرقت می برند. قونسول هم تأمل کرده چندی است سختی به ترکمانها نمی کند.

درباب سالارالدوله

ایضاً خبر رسید نواب والا دو بیست و بیست هزار تومان مالیات و مأخوذی مازندران را خواهان است. از قرار مذکور بعد از جمع آوری مالیات به سمت استرآباد خواهند آمد. تا چه قضا کند.

درباب سرقت

شب شانزدهم ماه می دزد طایفه اتابائی به قریه مریم آباد نیم فرسخی مشرقی رفته بیست رأس گوسفند به سرقت بردند.

درباب ترقی برنج

سنه ماضیه به واسطه قلت آب برنج نقصان داشت. چندی است برنج و گندم ترقی دارد. برنج را نودمن تبریز بیست و هفت تومان می خرند. گندم را نودمن شانزده تومان و پنج هزار به فروش می رسانند. امسال هم آب فراوان است. غله از هر قبیل در شهر و اطراف و صحرای یموت به خوبی عمل آمده است.

نمره ۱۲۵

۲۹ ماه می رفت

درباب روسها

از قرار معلوم حکم شده است قشون روس را از سرحد استرآباد و خراسان تخلیه نمایند. یک عده قشون که در شهر بود تماماً را به قرا سوفرستاده، سه چهار نفر صاحب منصب، بیست سوارچکت در شهر دارند. بداین سبب قونسول تعرض نموده امنیت را بر داشته اند. به حسب ظاهر می نمایند قونسول با سالارالدوله در بطن قراردادی داده موقع رفتن سوار از طرف نواب والا در بار فروش روسها ممانعت کرده، بعد را قونسول قدغن کرده متعرض سوارها نشوند. بیست و یکم ماه می نواب والا از ساری به سمت بار فروش رفتند. سیصد هزار تومان وجه از بابت مالیات و جریمه از اهالی مازندران گرفته و مطالبه دارند. تا چه اقتضا کند.

درباب حکومت

ایضاً امیر توپخانه تلگراف عاجزانه به سالارالدوله نموده جواب رسید که شما از طرف من حکومت نمائید. مجدداً ایالت تلگراف نموده شاهزاده هزار تومان وجه برای حقوق شخصی لازم است. دو مرتبه جواب مساعد برای امیر توپخانه ندادند.

درباب تراکمه

چون در این موقع فصل دزدیدن جو، گندم است. لهذا سوارهای ترکمان بعضی فرار کرده و به اجازه نواب والا آمدند.

درباب گمرک

۲۴ ماه مذکور خبر رسید محمدعلی خان از طرف نواب والا به سمت سرحداری بندر جز وارد [شده] حسب الامر گمرک بندر جز را با گمرک مشهد سر ضبط نمودند.

درباب سرقت

روز بیست و پنجم ماه می یک نفر آخوند بسطامی به شهر آمده عارض شد یک فرسخی مشرقی دو نفر ترکمان او را لخت کرده، سی و هفت تومان وجه نقد بالباس آخوند را غارت کرده بردند. گماشتگان ایالتی به امر سالار امجد پسر امیر توپخانه پشت گردنی به آخوند زده بیرون کردند.

درباب تلگراف

مهدی شاه امیر پنجه ملقب به شجاع السلطنه حسب الامر نواب سالارالدوله به عموم خوانین و سرکرده ها تلگراف نموده هر یک را با سوار خود احضار به مازندران نمودند، بعضی از ترس قونسول و شیخ محمد باقر جواب داده قوه حرکت نداریم. برخی را پولتیک روسها مانع شده از دو طرف ترس دارند. بیست و ششم ماه مذکور خبر رسید علی اکبر خان امیر عشایر به اتفاق میرزا هادی خان سرتیپ با چند نفر سوار فندرسکی از راه صحرا حرکت به مازندران رفتند. تاجه شود.

درباب امیراکرم

مشارالیه چندی بدقریه کفشگیری رفته متزلزل شد. حیدرقلی خان مسعود السلطان باسی سوار خدمت سالارالدوله رفته، امیراکرم باعلاقه خود به شهر مراجعت نمودند.

درباب امیر اعظم

چند نفر سوار شمرزادی ۲۸۲ از طرف نواب والا در چهارده کلاته به عنوان قراولی مأمور گردیده لکن شغل ایشان دزدی و راهزنی می باشد. از قرار مذکور امیر اعظم مشغول تهیه سوار و پیاده می باشد.